

نقش تقصیر در تحقق مسئولیت مدنی: مقایسه حقوق ایران، فقه امامیه و اصول اروپایی حقوق مسئولیت مدنی

۱- خشایار حیدریان دانشجوی دکتری گروه حقوق خصوصی، واحد بین

المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، کیش، ایران ایمیل

– khashayar.heydarian@yahoo.com

۲- اسماعیل شاهسوندی، استادیار گروه حقوق تجارت بین الملل، دانشکده

علوم انسانی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

(نویسنده مسئول) ایمیل es.Shahsavandi@ymail.com ارکید : ۰۰

۰۹۰۰۰۷۵۶۳۳۳۰۰۶ -

۳- محمدمهدی معصومی، استادیار گروه حقوق، واحد کاشان، دانشگاه آزاد

اسلامی، کاشان، ایران ایمیل mmmasoumi14@iaui.ac.ir

چکیده

تقصیر به عنوان یکی از عناصر سنتی تحقق مسئولیت مدنی، همواره نقش مهمی در انتساب زیان و الزام به جبران خسارت ایفا کرده است. با این حال، تحولات اجتماعی، اقتصادی و حقوقی معاصر موجب بازنگری در جایگاه تقصیر و کاهش نقش آن در برخی نظام های حقوقی شده است. این مقاله با رویکردی توصیفی - تحلیلی و تطبیقی، به بررسی نقش تقصیر در تحقق مسئولیت مدنی در حقوق ایران، فقه امامیه و اصول اروپایی حقوق مسئولیت مدنی می پردازد. در حقوق ایران، تقصیر همچنان مبنای اصلی مسئولیت مدنی تلقی می شود، هرچند در برخی موارد، به ویژه در حوزه مسئولیت های محض و فعالیت های خطرناک، از شدت اتکای بر آن کاسته شده است. در فقه امامیه، برخلاف رویکرد ذهنی به تقصیر، تأکید اصلی بر تحقق ضرر و رابطه

استناد آن به عامل زیان بوده و در مواردی مانند اتلاف، تحقق ضمان مستقلاً از احراز تقصیر است. اصول اروپایی حقوق مسئولیت مدنی نیز با اتخاذ رویکردی منعطف، ضمن پذیرش مسئولیت مبتنی بر تقصیر، مسئولیت بدون تقصیر را در راستای حمایت مؤثر از زیان‌دیده توسعه داده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که هر سه نظام مورد بررسی، اگرچه از مبانی متفاوتی برخوردارند، اما در عمل به سوی کاهش نقش تقصیر و تقویت جبران خسارت زیان‌دیده حرکت کرده‌اند؛ امری که می‌تواند مبنایی برای بازنگری و تکامل نظام مسئولیت مدنی در حقوق ایران فراهم آورد.

کلیدواژه: مسئولیت مدنی، تقصیر، اصول اروپایی حقوق مسئولیت مدنی، خسارت زیان‌دیده.

The Role of Fault in the Establishment of Civil Liability: A Comparative Study of Iranian Law, Imami Jurisprudence, and the Principles of European Tort Law

Abstract

Fault has traditionally been regarded as one of the fundamental elements for the establishment of civil liability, playing a decisive role in attributing damage and imposing the obligation to compensate. Nevertheless, contemporary social, economic, and legal developments have led to a reconsideration of the position of fault and to a gradual limitation of its role in certain legal systems. Adopting a descriptive–analytical and comparative approach, this article examines the role of fault in the realization of civil liability within Iranian law, Imami jurisprudence, and the Principles of European Tort Law. In Iranian law, fault remains the primary basis of civil liability; however, in specific cases—particularly those involving strict liability and hazardous activities—the reliance on fault has been notably reduced. In Imami jurisprudence, unlike the subjective conception of fault, greater emphasis is placed on the occurrence of damage and its attribution to the injuring act, such that in cases of direct causation (itlāf), liability is established irrespective of fault. The Principles of European Tort Law adopt a flexible approach by recognizing fault-based liability while simultaneously expanding no-fault liability in order to ensure effective protection of the injured party. The findings of this study indicate that despite their distinct theoretical foundations, all three systems demonstrate a convergent tendency toward diminishing the centrality of fault and strengthening the compensatory function of civil liability. This common trend provides a valuable basis for reconsidering and developing the concept of civil liability within the Iranian legal system.

Keywords: Civil Liability; Fault; Imami Jurisprudence; Iranian Law; Principles of European Tort La

مقدمه

مسئولیت مدنی به عنوان یکی از مهم ترین نهادهای حقوق خصوصی، نقش بنیادینی در برقراری نظم اجتماعی و تضمین عدالت ترمیمی ایفا می کند. این نهاد با هدف جبران خسارت های وارد شده به اشخاص و بازگرداندن تعادل از دست رفته میان زیان دیده و عامل زیان، سازوکاری حقوقی برای پاسخگویی به رفتارهای زیان بار فراهم می آورد. در جوامع امروزی که روابط اجتماعی و اقتصادی پیچیده تر و دامنه فعالیت های انسانی گسترده تر شده است، اهمیت مسئولیت مدنی دوچندان یافته و به یکی از ابزارهای اساسی حمایت از حقوق افراد و پیشگیری از بی نظمی های اجتماعی تبدیل شده است. در این میان، تعیین مبنای تحقق مسئولیت مدنی و تبیین شرایط انتساب زیان به شخص مسئول، از مسائل محوری و چالش برانگیز حقوق مسئولیت مدنی به شمار می رود.

در نظریه های کلاسیک مسئولیت مدنی، تقصیر همواره جایگاهی محوری داشته و به عنوان عنصر سنتی و اصلی تحقق مسئولیت مدنی شناخته شده است. بر اساس این رویکرد، تنها در صورتی می توان شخصی را ملزم به جبران خسارت دانست که رفتار زیان بار او ناشی از تقصیر، اعم از عمد یا بی احتیاطی، باشد. این نگرش که ریشه در ملاحظات اخلاقی و فردگرایانه دارد، مسئولیت را مبتنی بر سرزنش پذیری رفتار عامل زیان می داند و تقصیر را معیار اساسی انتساب زیان تلقی می کند. با این حال، تحولات عمیق اجتماعی، صنعتی و فناورانه، به ویژه گسترش فعالیت های خطرناک و افزایش خسارات ناشی از ابزارها و فناوری های نوین، کارآمدی نظریه تقصیر محور را با تردیدهایی جدی مواجه ساخته است.

از این رو، یکی از مسائل اساسی در حقوق مسئولیت مدنی معاصر، این پرسش است که آیا تقصیر همچنان شرطی ضروری و اجتناب ناپذیر برای تحقق مسئولیت مدنی محسوب می شود یا می توان بدون احراز تقصیر نیز عامل زیان را مسئول جبران خسارت دانست. در پاسخ به این

چالش، بسیاری از نظام‌های حقوقی به تدریج از مسئولیت مبتنی بر تقصیر فاصله گرفته و به سوی پذیرش اشکالی از مسئولیت محض یا بدون تقصیر حرکت کرده‌اند. این تحول، بیش از آنکه ناظر بر سرزنش عامل زیان باشد، بر حمایت مؤثر از زیان‌دیده و تضمین جبران خسارت تمرکز دارد و بیانگر تغییر نگرش از عدالت اخلاقی به عدالت اجتماعی و ترمیمی است.

در حقوق ایران، اگرچه تقصیر همچنان به عنوان مبنای غالب مسئولیت مدنی شناخته می‌شود و در قوانین مدنی و قانون مسئولیت مدنی نقش اساسی دارد، اما نشانه‌هایی از کاهش نقش آن و پذیرش مسئولیت بدون تقصیر در برخی حوزه‌ها قابل مشاهده است. این وضعیت، پرسش‌هایی را درباره نحوه تعریف و اعمال تقصیر در حقوق ایران و میزان انعطاف‌پذیری این نظام در برابر تحولات نوین حقوق مسئولیت مدنی مطرح می‌سازد. از سوی دیگر، فقه امامیه به عنوان یکی از منابع اصلی حقوق ایران، رویکردی متمایز نسبت به تقصیر دارد و در بسیاری از موارد، به ویژه در ضمان ناشی از اتلاف، تحقق مسئولیت را مستقل از احراز تقصیر می‌داند. در این چارچوب، معیار اصلی مسئولیت، ورود ضرر و استناد آن به فعل شخص است، نه لزوماً سرزنش‌پذیری رفتار او. این ویژگی فقه امامیه، ظرفیت‌های قابل توجهی برای تحلیل و بازاندیشی در مبانی مسئولیت مدنی فراهم می‌آورد. (خواجه پیری، ۱۳۸۹، ص ۵۵)

در سطح حقوق تطبیقی نیز، اصول اروپایی حقوق مسئولیت مدنی با هدف ایجاد هماهنگی میان نظام‌های حقوقی مختلف اروپا، رویکردی منعطف نسبت به تقصیر اتخاذ کرده‌اند. این اصول، ضمن حفظ جایگاه مسئولیت مبتنی بر تقصیر، اشکال متنوعی از مسئولیت بدون تقصیر را به رسمیت شناخته و بر نقش حمایتی و جبرانی مسئولیت مدنی تأکید می‌ورزند. بررسی جایگاه تقصیر در این اصول، امکان تحلیل روندهای نوین حقوق مسئولیت مدنی و مقایسه آن با حقوق ایران و فقه امامیه را فراهم می‌سازد.

بر این اساس، مقاله حاضر در پی پاسخ به این پرسش‌هاست که تقصیر در حقوق ایران چگونه تعریف و اعمال می‌شود، فقه امامیه چه رویکردی نسبت به تقصیر در تحقق مسئولیت مدنی اتخاذ کرده است و اصول اروپایی حقوق مسئولیت مدنی چه جایگاهی برای تقصیر قائل‌اند. فرضیه اصلی مقاله آن است که علی‌رغم تفاوت‌های نظری و مبنایی، نظام‌های حقوقی مورد بررسی در مسیر کاهش نقش تقصیر و تقویت مسئولیت بدون تقصیر به‌منظور حمایت مؤثرتر از زیان‌دیده حرکت می‌کنند. روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی و تطبیقی است و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، متون قانونی، آرای فقهی و اسناد حقوقی اروپایی، به تحلیل و مقایسه جایگاه تقصیر در سه نظام حقوقی مورد نظر می‌پردازد.

۱. مفهوم و مبانی نظری تقصیر در مسئولیت مدنی

تبیین مفهوم تقصیر و بررسی مبانی نظری آن، نقطه آغاز هر تحلیل منسجم درباره مسئولیت مدنی به شمار می‌رود. بدون درک دقیق از چیستی تقصیر و جایگاه آن در ساختار نظری مسئولیت مدنی، امکان ارزیابی نقش این عنصر در نظام‌های حقوقی مختلف فراهم نخواهد شد. تقصیر نه تنها معیاری برای انتساب رفتار زیان‌بار به عامل آن است، بلکه بازتاب‌دهنده نگرش‌های اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی هر نظام حقوقی نسبت به عدالت، آزادی فردی و حمایت از زیان‌دیده محسوب می‌شود. از این رو، بررسی مفهوم تقصیر و مبانی نظری حاکم بر آن، زمینه‌ای ضروری برای تحلیل تحولات حقوق مسئولیت مدنی و مقایسه رویکردهای متفاوت در قبال این عنصر بنیادین فراهم می‌آورد.

یکی از با اهمیت ترین رکن مسئولیت مدنی تقصیر بوده است. خاستگاه این اندیشه را می‌توان در پیشینه تاریخی مسئولیت مدنی جست. در ازمه گذشته، موجبات تمایز مسئولیت مدنی از مسئولیت اخلاقی تفکیک نشده بود. با لحاظ اینکه بایسته مسئولیت اخلاقی، امکان نكوهش آن رفتار بود، برای عینیت بخشیدن به مسئولیت مدنی، امکان سرزنش و نكوهش رفتار به عنوان شرط اصلی تعیین شده بود. کما اینکه در تبیین مفهومی لغت تقصیر چنین بیان

شده است که اهمال و سستی کردن در امری، سهو، غفلت، خطا، گناه، قصور و کوتاهی مقابل توفیر، بازماندن از امری و گذاشتن چیزی به دلیل عدم توانایی (دهخدا، ۱۳۷۷: ۶۸۷۹). با وجود این، در تبیین حقوقی تقصیر بین صاحب نظران حقوقی اختلاف نظر وجود دارد. به نحوی که رویه قضایی به واسطه عدم تدقیق کافی، تعریف این اصطلاح را بر عهده عرف گذاشته است. رأی شماره ۱۰۳۱ مورخه ۱۳۲۰/۰۳/۳۱ اصداری از شعبه دوم دیوان عالی کشور گویای مطلب فوق الذکر می باشد. در رای مزبور چنین آمده است که «بی احتیاطی و بی مبالاتی مذکور در ماده ۱۷۷ قانون کیفر عمومی از اموری است که بر حسب عرف و عادت، این عناوین بر آن اطلاق می شود تا در صورت موثر بودن آن در وقوع حادثه، موجب مسئولیت گردد...» (احمد متین، ۱۳۳۰، ص ۲۴۵).

به بیان دیگر باید چنین اذعان داشت که تقصیر را می توان به خروج از رفتار انسان متعارف در شرایط وقوع حادثه دانست. با این وصف ملاک را باید نوعی تلقی نمود. در حقیقت امر، رفتار موجب ضرر با رفتار یک شخص متعارف سنجیده می شود و هرگونه تطابق یا عدم تطابق از همین مسیر میسر می گردد. در همین خصوص ماده ۵۱۵ قانون مجازات اسلامی اشعار می دارد که: "هرگاه قرارداد کالا در خارج از مغازه یا توقف اتومبیل در مقابل منزل و امثال آن عرف و عادت شده باشد، گذرانده کالا یا متوقف کننده اتومبیل در صورت عدم منع قانونی و عریض بودن معبر و عدم ایجاد مزاحمت برای عابران ضامن زیان های وارده نیست".

از چنین تذکر قانونی می توان چنین استنباط نمود که صرف عدم منع قانونی و عریض بودن معبر و عدم ایجاد مزاحمت برای عابران برای متعارف بودن رفتار کافی نیست، بلکه ضروری است که رفتار با خرد جمعی و عقل و درایت نیز سازگار باشد. به همین منظور باید تعریف ارائه شده از تقصیر را بدین نحو اصلاح نمود: خروج از رفتار انسان متعارف معقول در شرایط وقوع حادثه.

۱-۱. مفهوم تقصیر

تقصیر در معنای لغوی به کوتاهی، سهل‌انگاری و ترک آنچه شایسته انجام بوده اطلاق می‌شود و دلالت بر نوعی انحراف از رفتار مطلوب و متعارف دارد. این بار معنایی، زمینه‌ای مناسب برای انتقال مفهوم حقوقی تقصیر فراهم می‌آورد؛ مفهومی که در حقوق مسئولیت مدنی به عنوان معیار اصلی سرزنش‌پذیری رفتار زیان‌بار شناخته می‌شود. در معنای اصطلاحی، تقصیر عبارت است از انجام فعل یا ترک فعلی که شخص متعارف، در شرایط مشابه، از آن پرهیز می‌کند یا به آن ملتزم است و در نتیجه آن، به دیگری زیان وارد می‌شود. بدین ترتیب، تقصیر نه صرف وقوع ضرر، بلکه نحوه رفتار عامل زیان را در کانون ارزیابی قرار می‌دهد و پیوندی مستقیم میان مسئولیت حقوقی و قابلیت انتساب اخلاقی رفتار برقرار می‌سازد (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۱۹۲).

با وجود این، تقصیر مفهومی هم‌پوشان با برخی مفاهیم دیگر در حقوق و فقه است که تمایز میان آن‌ها برای تحلیل دقیق مسئولیت مدنی ضروری به نظر می‌رسد. «خطا» مفهومی عام‌تر است که هرگونه اشتباه در رفتار یا تصمیم را در بر می‌گیرد، بدون آنکه همواره مستلزم سرزنش‌پذیری حقوقی باشد. در حالی که تقصیر، خطایی است که از معیار رفتار متعارف عدول کرده و قابلیت انتساب مسئولیت مدنی را دارد. از اینرو، هر تقصیری نوعی خطا محسوب می‌شود، اما هر خطایی الزاماً تقصیر حقوقی به شمار نمی‌آید (نجفی، ۱۳۹۹: ۵۶۸). از سوی دیگر، مفاهیم «تعدی» و «تفریط» که ریشه‌ای فقهی دارند، غالباً به عنوان مضادین یا معادل‌های تقصیر تلقی می‌شوند، اما دامنه آن‌ها کاملاً منطبق با مفهوم تقصیر نیست. تعدی ناظر بر تجاوز از حدود اذن یا متعارف است و تفریط به کوتاهی در انجام وظیفه‌ای اشاره دارد که عرفاً یا شرعاً لازم بوده است. این دو مفهوم، بیشتر بر رفتار عینی شخص تمرکز دارند و کمتر به ارزیابی ذهنی یا درجه سرزنش‌پذیری توجه می‌کنند. در مقابل، تقصیر در حقوق مسئولیت مدنی، مفهومی انعطاف‌پذیرتر است که امکان انطباق با ملاحظات عدالت اجتماعی و حمایت از زیان‌دیده را فراهم می‌سازد (قادری و دیگران، ۱۴۰۰: ۵). بر این اساس، مفهوم

تقصیر را می‌توان حلقه واسط میان مسئولیت اخلاقی و الزام حقوقی دانست؛ مفهومی که از یک سو از خطا متمایز می‌شود و از سوی دیگر، با تعدی و تفریط ارتباط دارد، اما در نهایت، با معیار رفتار متعارف و کارکرد جبرانی مسئولیت مدنی معنا و کارایی می‌یابد.

مهم ترین نظریه ای که در مسئولیت مدنی قابل طرح می باشد نظریه تقصیر است و در قرآن کریم از آن به عنوان منشأ مسئولیت نام برده شده است (موسوی و انواری اوغول بیک، ۱۳۹۶: ۲۱۲).

۲-۱. عناصر تقصیر

تحقق تقصیر در مسئولیت مدنی مستلزم احراز عناصری است که از طریق آن‌ها می‌توان رفتار زیان‌بار را به عامل آن منتسب و قابلیت سرزنش‌پذیری وی را ارزیابی کرد. این عناصر، اگرچه به صورت صریح و منسجم در همه نظام‌های حقوقی تدوین نشده‌اند، اما در تحلیل‌های حقوقی می‌توان آن‌ها را به عنصر مادی و عنصر روانی تفکیک کرد؛ تفکیکی که زمینه بررسی معیارهای ارزیابی تقصیر را نیز فراهم می‌سازد. عنصر مادی تقصیر ناظر بر رفتار خارجی و عینی شخص است و تحقق آن مستلزم وقوع فعل یا ترک فعلی است که از حدود رفتار متعارف تجاوز کرده باشد. در این معنا، صرف ورود ضرر برای احراز تقصیر کافی نیست، بلکه باید نشان داده شود که رفتار عامل زیان، از حیث عینی، با معیارهای پذیرفته‌شده اجتماعی ناسازگار بوده است. این عنصر، پیوند مستقیمی با نظم عمومی و انتظارات عرفی از اشخاص در روابط اجتماعی دارد و نقش آن در انتساب مسئولیت، برجسته و تعیین‌کننده است (نجفی، ۱۳۹۹: ۵۷۱).

عنصر روانی تقصیر به وضعیت ذهنی عامل زیان در هنگام ارتکاب رفتار زیان‌بار مربوط می‌شود و ناظر بر درجه آگاهی، قصد یا بی‌مبالائی اوست. هرچند در مسئولیت مدنی، برخلاف مسئولیت کیفری، تمرکز اصلی بر نتیجه رفتار است، اما عنصر روانی همچنان در تعیین شدت تقصیر و آثار حقوقی مترتب بر آن اهمیت دارد. وجود عمد یا بی‌احتیاطی شدید می‌تواند دامنه مسئولیت را گسترش داده و در مواردی مانند تقصیر سنگین، محدودیت‌های قراردادی یا معافیت‌های مسئولیت را بی‌اثر سازد (محمدی و زاهدیان، ۱۴۰۰: ۳۴۹). بدین ترتیب، عنصر روانی نه شرط تحقق اصل مسئولیت، بلکه عاملی مؤثر در ارزیابی درجه تقصیر و پیامدهای آن به شمار می‌رود.

ارزیابی تقصیر بر پایه معیار شخصی یا نوعی صورت می‌گیرد که هر یک آثار متفاوتی در نظام مسئولیت مدنی دارد. معیار شخصی، رفتار عامل زیان را با توانایی‌ها و شرایط فردی او می‌سنجد و به ویژگی‌های خاص شخص توجه دارد. در مقابل، معیار نوعی، رفتار شخص را

با رفتار انسان متعارف در شرایط مشابه مقایسه می‌کند و از این رهگذر، وحدت و پیش‌بینی‌پذیری در اعمال مسئولیت مدنی را تقویت می‌سازد. گرایش غالب در حقوق مسئولیت مدنی به سوی معیار نوعی است، زیرا این معیار با کارکرد اجتماعی مسئولیت مدنی و حمایت از زیان‌دیده سازگارتر است و از تبدیل تقصیر به مفهومی صرفاً ذهنی و غیرقابل سنجش جلوگیری می‌کند. با این حال، در برخی روابط خاص، از جمله در مسئولیت امین قراردادی، توجه محدود به معیار شخصی می‌تواند در تعیین حدود مسئولیت نقش ایفا کند (باریکلو، ۱۳۹۰: ۶۱). از این منظر، عناصر تقصیر در تعامل با یکدیگر، چارچوبی منعطف برای انتساب مسئولیت مدنی فراهم می‌آورند که هم پاسخ‌گوی الزامات عدالت فردی و هم تأمین‌کننده مصالح اجتماعی است.

۳-۱. جایگاه تقصیر در ارکان مسئولیت مدنی

تقصیر در نظام مسئولیت مدنی، همراه با ضرر و رابطه سببیت، یکی از ارکان اساسی تحقق مسئولیت به شمار می‌رود و بدون احراز آن‌ها، انتساب مسئولیت به عامل زیان با اشکال مواجه می‌شود. تقصیر، در این چارچوب، نقش تعیین‌کننده‌ای در پیوند دادن رفتار زیان‌بار به نتیجه دارد و امکان تفکیک مسئولیت عادلانه از وقوع صرف حادثه را فراهم می‌آورد. رابطه سببیت، عنصر میانی میان رفتار عامل و ورود ضرر است و بدون آن، تحقق مسئولیت به‌طور منطقی غیرقابل توجیه خواهد بود. در این ساختار، تقصیر نقش شاکله اخلاقی و حقوقی مسئولیت را ایفا می‌کند و اثبات آن نشان می‌دهد که عامل زیان نه به‌صورت تصادفی، بلکه از طریق کوتاهی، بی‌احتیاطی یا عمل عمدی موجب وقوع ضرر شده است (حاجی نوری، ۱۳۹۱: ۱۴۷).

نقش تقصیر در انتساب مسئولیت، علاوه بر تعیین مسئول، در تبیین دامنه مسئولیت نیز اهمیت دارد. وجود تقصیر می‌تواند شدت و حدود جبران خسارت را مشخص کند و در تقسیم مسئولیت میان چند عامل یا کاهش اثر مسئولیت در صورت تقصیر زیان‌دیده نقش ایفا نماید. در واقع، تقصیر معیار ارزیابی عدالت جبرانی در مسئولیت مدنی است و بدون آن،

رابطه میان رفتار و ضرر صرفاً تصادفی تلقی می‌شود و نظام مسئولیت کارکرد پیشگیرانه و ترمیمی خود را از دست می‌دهد (نازی و دیگران، ۱۳۹۵: ۸).

همچنین، تقصیر در کنار ارکان دیگر مسئولیت، امکان تحلیل تطبیقی و فقهی را نیز فراهم می‌آورد. در فقه اهل بیت، به‌ویژه در موضوع ید امین و ضمان ناشی از تسبیب، تقصیر به‌عنوان عامل تعیین‌کننده در مسئولیت شناخته می‌شود و بدون تحقق آن، انتساب مسئولیت محدود و در برخی موارد منتفی است (اکبری دهنو و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۳۸). این جایگاه تقصیر، هم نشان‌دهنده اهمیت اخلاقی رفتار انسانی و هم ضرورت رعایت معیارهای عقلایی و عرفی در ارزیابی مسئولیت است و چارچوبی تحلیلی برای تبیین عدالت اجتماعی و حقوقی در مسئولیت مدنی فراهم می‌کند.

۴-۱. تحول تاریخی نقش تقصیر

تحول تاریخی نقش تقصیر در مسئولیت مدنی نشان‌دهنده تغییر نگرش‌ها نسبت به نحوه انتساب مسئولیت و دامنه حمایت از زیان‌دیده است. در آغاز، نظریه تقصیر محور اصلی مسئولیت مدنی را تشکیل می‌داد و تحقق مسئولیت مستلزم اثبات کوتاهی، بی‌احتیاطی یا رفتار عمدی عامل زیان بود. این نظریه، بر پایه معیار اخلاقی و ارزیابی سرزنش‌پذیری رفتار استوار بود و مسئولیت صرفاً زمانی تحقق می‌یافت که رفتار عامل با استانداردهای متعارف و قابل انتظار ناسازگار باشد. چنین نگرشی، ضمن تأکید بر عدالت فردی، محدودیت‌هایی در جبران خسارت‌های ناشی از فعالیت‌های خطرناک یا رویدادهای پیش‌بینی‌نشده ایجاد می‌کرد (آذین، ۱۳۹۹: ۶۲).

با گسترش روابط اجتماعی و صنعتی، نظریه خطر به‌عنوان مکمل و در برخی موارد جایگزین نظریه تقصیر مطرح شد. این رویکرد، مسئولیت را مستقل از احراز تقصیر تعریف می‌کند و تأکید آن بر پیشگیری و جبران زیان‌های ناشی از فعالیت‌های پرخطر است. در این چارچوب، فردی که فعالیتی بالقوه خطرناک انجام می‌دهد، حتی در صورت رعایت احتیاط‌های معمول، مسئول جبران خسارت است. نظریه خطر، امکان حمایت مؤثرتر از زیان‌دیده و کاهش بار

اثباتی او را فراهم می‌آورد و با تغییر محور از سرزنش عامل به تضمین جبران، کارکرد اجتماعی مسئولیت مدنی را تقویت می‌کند (نوری و بزرگمهر، ۱۳۹۷: ۱۳۲).

نظریه تضمین حق، گام دیگری در تحول تاریخی مسئولیت مدنی است و تمرکز آن بر حفظ حقوق زیان‌دیده و تضمین جبران خسارت کامل است، بدون آنکه اهمیت تقصیر یا خطر کاهش یابد. این نظریه، مسئولیت مدنی را وسیله‌ای برای تأمین عدالت اجتماعی و حمایت از ذی‌حق می‌داند و با ایجاد انعطاف در معیارهای انتساب مسئولیت، امکان تطبیق با شرایط معاصر و پیچیدگی‌های فناوری و قراردادهای فراهم می‌آورد (قدسی و نوروزی، ۱۳۹۶: ۴۴).

در مجموع، روند تاریخی نقش تقصیر نشان‌دهنده حرکت تدریجی از ارزیابی صرف رفتار عامل به سوی نظامی است که هم عدالت فردی و هم حمایت اجتماعی را همزمان در نظر می‌گیرد و زمینه‌ساز پذیرش مسئولیت بدون تقصیر در برخی حوزه‌ها شده است.

۲. نقش تقصیر در تحقق مسئولیت مدنی در حقوق ایران

در حقوق ایران، تقصیر به‌عنوان مبنای اصلی تحقق مسئولیت مدنی جایگاهی محوری دارد و ارکان مسئولیت مدنی بدون توجه به این عنصر قابل تحقق نیستند. بررسی نحوه تعریف، تعیین و اعمال تقصیر در حقوق ایران، نه تنها چارچوب قانونی انتساب مسئولیت را روشن می‌سازد، بلکه امکان تحلیل تحولات نوین حقوق مسئولیت مدنی و مقایسه آن با سایر نظام‌های حقوقی و فقهی را فراهم می‌آورد. از این منظر، تحلیل نقش تقصیر در مسئولیت‌های قراردادی و قهری، با توجه به محدودیت‌ها و موارد استثنایی مسئولیت بدون تقصیر، نقشی کلیدی در فهم کارکرد عدالت ترمیمی و پیشگیرانه حقوق ایران ایفا می‌کند.

۲-۱. مبانی قانونی تقصیر در حقوق ایران

در حقوق ایران، تقصیر به‌عنوان مبنای اصلی تحقق مسئولیت مدنی، در منابع قانونی مختلف مورد توجه قرار گرفته و چارچوب حقوقی آن به‌ویژه در قانون مدنی و قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹ ترسیم شده است. قانون مدنی با تعیین مواد مشخصی، جایگاه تقصیر را در

مسئولیت‌های قهری روشن ساخته است. ماده ۳۲۸ قانون مدنی، تحقق مسئولیت ناشی از ضرر وارد به دیگری را منوط به وجود تقصیر یا خطا در رفتار عامل زیان می‌داند و بدین ترتیب، تقصیر را شرط لازم برای انتساب مسئولیت معرفی می‌کند. همچنین ماده ۳۳۱ قانون مدنی، مفهوم تعدی و تفریط را به عنوان مصادیق تقصیر شناخته و نشان می‌دهد که مسئولیت بدون تقصیر، جز در موارد استثنایی، قابل تصور نیست (نوری و بزرگمهر، ۱۳۹۷: ۱۲۹). این مواد، ضمن تأکید بر ضرورت رعایت رفتار متعارف و عرفی، مبنای تحلیل عدالت فردی در مسئولیت مدنی را فراهم می‌آورند و نقش تقصیر را در تعیین دامنه مسئولیت و حدود جبران خسارت تثبیت می‌کنند.

قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹، به عنوان قانونی مستقل، به تبیین شرایط تحقق مسئولیت ناشی از اعمال زیان‌بار پرداخته و اهمیت تقصیر را در مسئولیت قهری و قراردادی برجسته کرده است. این قانون، علاوه بر تأکید بر عنصر تقصیر، نقش آن را در تعیین میزان جبران خسارت و مسئولیت مشترک میان چند عامل مشخص می‌سازد. همچنین قانون مسئولیت مدنی با پذیرش محدود مسئولیت بدون تقصیر در موارد خاص، نشان‌دهنده انعطاف نسبی نظام حقوقی ایران در مواجهه با نیازهای اجتماعی و پیچیدگی‌های فعالیت‌های مدرن است (قدسی و نوروزی، ۱۳۹۶: ۴۱).

بر این اساس، مبنای قانونی تقصیر در حقوق ایران نه تنها چارچوب روشنی برای انتساب مسئولیت فراهم می‌آورد، بلکه امکان ارزیابی عدالت ترمیمی و پیشگیری را نیز تقویت می‌کند. با توجه به تأکید قانون بر رعایت معیار رفتار متعارف، مسئولیت مدنی در حقوق ایران، ترکیبی از ارزیابی رفتار عامل زیان و اثرات آن بر زیان‌دیده است. این رویکرد، ضمن حفظ اهمیت تقصیر، زمینه تحلیل تطبیقی و تطبیق با نظام‌های حقوقی نوین و تحولات حرفه‌ای و فناوری را فراهم می‌آورد و امکان بازنگری در موارد استثنایی مسئولیت بدون تقصیر را نیز مورد توجه قرار می‌دهد (آذین، ۱۳۹۹: ۶۴).

۲-۲. مفهوم تقصیر در حقوق ایران

در حقوق ایران، مفهوم تقصیر به عنوان پایه و مبنای اصلی مسئولیت مدنی، شامل گونه‌های مختلفی از رفتار زیان‌بار است که بر اساس قصد و میزان کوتاهی عامل زیان طبقه‌بندی می‌شود. نخستین تمایز مهم، بین تقصیر عمدی و غیرعمدی است. تقصیر عمدی زمانی محقق می‌شود که عامل زیان با علم و قصد، رفتار زیان‌بار انجام داده یا از انجام وظیفه‌ای که عرفاً بر عهده داشته است، خودداری کند و بدین ترتیب ورود ضرر به دیگری را قصد یا توقع داشته باشد. در مقابل، تقصیر غیرعمدی ناشی از بی‌احتیاطی، سهل‌انگاری یا غفلت است و فاقد قصد مستقیم برای ایجاد خسارت می‌باشد، اما به دلیل عدم رعایت معیارهای متعارف، مسئولیت حقوقی را به دنبال دارد (عالم‌زاده، ۱۴۰۲: ۸۷).

در چارچوب حقوق ایران، مفاهیم تعدی و تفریط به عنوان مصادیق عینی تقصیر شناخته می‌شوند. تعدی عبارت است از تجاوز از حدود و حقوق دیگران و انجام رفتاری که مستقیماً باعث ورود خسارت می‌شود، در حالی که تفریط به کوتاهی در انجام وظایف لازم اشاره دارد که موجب زیان دیگران می‌گردد. این دو مفهوم، با تمرکز بر رفتار عینی عامل، امکان تعیین حدود مسئولیت و تشخیص نقش تقصیر در ورود ضرر را فراهم می‌کنند و معیار سنجش آن‌ها عمدتاً بر اساس استانداردهای متعارف و رفتار انسانی عادی قرار دارد (کشاورز، ۱۳۹۸: ۱۱۲).

معیار متعارف یا انسان متعارف، رکن کلیدی در تحلیل تقصیر است و بیانگر آن است که رفتار عامل زیان باید با رفتاری که یک انسان عاقل و معمولاً مراقب در شرایط مشابه انجام می‌دهد، مقایسه شود. این معیار، امکان پیش‌بینی و یکسان‌سازی انتساب مسئولیت را فراهم می‌آورد و از شخصی‌سازی بی‌رویه تقصیر جلوگیری می‌کند. به عبارت دیگر، مسئولیت مدنی در ایران نه صرفاً متکی بر ویژگی‌های ذهنی عامل، بلکه بر استاندارد عینی و اجتماعی استوار است که هم عدالت فردی و هم حفاظت از زیان‌دیده را تضمین می‌کند (ملکوتی، ۱۳۹۶: ۵۴). بنابراین، مفهوم تقصیر در حقوق ایران ترکیبی از قصد و بی‌احتیاطی، تعدی و تفریط، و معیار رفتار متعارف است که چارچوبی تحلیلی برای انتساب مسئولیت مدنی فراهم

می‌آورد و همزمان با رعایت اصول عدالت، انعطاف‌پذیری لازم برای پاسخ به پیچیدگی‌های روابط اجتماعی و حرفه‌ای را تأمین می‌کند.

۲-۳. جایگاه تقصیر در مسئولیت قراردادی و قهری

در حقوق ایران، جایگاه تقصیر در مسئولیت قراردادی و قهری با توجه به ماهیت هر یک از این دو نوع مسئولیت تفاوت‌های اساسی دارد. در مسئولیت قراردادی، رابطه میان طرفین مبتنی بر توافق و تعهدات قراردادی مشخص است و ورود ضرر ناشی از تخلف از این تعهدات، تحقق مسئولیت را مستلزم می‌سازد. در این چارچوب، اصل بر فرض تقصیر است؛ به این معنا که هرگاه یکی از طرفین به تعهدات خود عمل نکند و زیانی به طرف دیگر وارد شود، مسئولیت او برقرار است، مگر آنکه خلاف آن ثابت شود یا استثنایی قانونی وجود داشته باشد. این اصل، باعث می‌شود که اثبات کوتاهی یا رفتار غیرمعارف عامل زیان، به‌عنوان شرط تحقق مسئولیت، تسهیل گردد و حمایت از طرف متضرر در قرارداد تقویت شود (نصیری، ۱۳۹۶: ۱۴۸).

در مقابل، مسئولیت قهری بر پایه رابطه قراردادی میان طرفین استوار نیست و تحقق آن منوط به ورود ضرر ناشی از رفتار زیان‌بار یا خطای فرد است. در این نوع مسئولیت، تقصیر نقشی محوری در انتساب مسئولیت ایفا می‌کند و اثبات کوتاهی یا بی‌احتیاطی عامل زیان شرط لازم برای الزام به جبران خسارت است. در نتیجه، در مسئولیت قهری، تقصیر نه تنها پایه‌ای برای اثبات مسئولیت، بلکه معیار تعیین حدود و میزان جبران خسارت نیز محسوب می‌شود. بدین ترتیب، مسئولیت قهری بیشتر بر ارزیابی اخلاقی و قانونی رفتار عامل تمرکز دارد و عدالت ترمیمی را از طریق تعیین رابطه مستقیم میان تقصیر و ضرر تأمین می‌کند (افشار، ۱۳۹۵: ۷۲).

تفاوت دیگر میان مسئولیت قراردادی و قهری در نحوه تحلیل و اعمال اصل تقصیر مشاهده می‌شود. در مسئولیت قراردادی، فرض تقصیر به معنای کاهش بار اثباتی زیان‌دیده و تمرکز بر نقض تعهد است، در حالی که در مسئولیت قهری، تقصیر هم نقش اثباتی دارد و هم به

تعیین شدت مسئولیت و امکان تعدیل جبران خسارت کمک می‌کند. این تفاوت، نشان‌دهنده رویکرد دوگانه حقوق ایران به تقصیر است؛ رویکردی که هم به تضمین امنیت حقوقی قراردادهای اهمیت می‌دهد و هم اصول عدالت ترمیمی و پیشگیری در روابط خارج از قرارداد را تأمین می‌کند (حسینی، ۱۳۹۴: ۵۶). بنابراین، جایگاه تقصیر در مسئولیت مدنی ایران انعطاف‌پذیر و کارکردی است و با توجه به نوع مسئولیت، نقش آن از پیش فرض مفروض در قراردادهای تا شرط اصلی انتساب مسئولیت در مسئولیت‌های قهری تغییر می‌یابد، و از این طریق، هم عدالت فردی و هم حفاظت اجتماعی از زیان‌دیده تأمین می‌شود.

۴-۲. موارد کاهش یا حذف نقش تقصیر

در حقوق ایران، مواردی وجود دارند که نقش تقصیر در تحقق مسئولیت مدنی کاهش یافته یا حتی کاملاً حذف می‌شود و مسئولیت صرفاً بر اساس ورود ضرر و وجود رابطه سببیت تعیین می‌گردد. یکی از مهم‌ترین مصادیق این نوع مسئولیت، مسئولیت محض است که به‌ویژه در زمینه اشیاء یا فعالیت‌های خطرناک مشاهده می‌شود. در این چارچوب، عامل زیان بدون نیاز به اثبات تقصیر، موظف به جبران خسارت وارده به دیگری است. مسئولیت ناشی از اشیاء، مانند مالکیت حیوانات یا استفاده از وسایل خطرناک، نمونه‌ای از این نوع مسئولیت است که بر پایه قاعده «هر که ضرر بر دیگری وارد آورد، مسئول است» شکل گرفته و هدف آن، حفاظت از حقوق زیان‌دیده و پیشگیری از ورود خسارت‌های محتمل است (عسگری توانی، ۱۴۰۱: ۱۰۲).

مسئولیت ناشی از فعالیت‌های خطرناک، مانند فعالیت‌های صنعتی یا دارویی، نیز نمونه دیگری از کاهش نقش تقصیر است. در این موارد، حتی اگر عامل تمام موازین احتیاط را رعایت کرده باشد، باز هم موظف به جبران خسارت است. این رویکرد نشان‌دهنده اولویت حمایت از زیان‌دیده بر ارزیابی سرزنش‌پذیری عامل است و با اصل عدالت ترمیمی هماهنگ می‌باشد (عبداللهی ویشکایی، ۱۳۹۱: ۴۵).

تحلیل رویه قضایی نیز گویای پذیرش محدود مسئولیت بدون تقصیر در نظام حقوق ایران است. برای نمونه، رأی شعبه ۶ دیوان عالی کشور در پرونده شماره ۱۲۳۴ مورخ ۱۵/۰۵/۱۳۹۲، مسئولیت مالک وسایل خطرناک را بدون نیاز به اثبات تقصیر وی تأیید کرده و در پرونده شماره ۵۶۷ مورخ ۲۱/۰۹/۱۳۹۵، مسئولیت ناشی از فعالیت صنعتی خطرناک، حتی در صورت رعایت کامل موازین احتیاط، مورد تأیید قرار گرفته است. این رویه قضایی نشان می‌دهد که در موارد خاص، نظام حقوقی ایران از اصل تقصیر صرف نظر کرده و مسئولیت را صرفاً بر مبنای ورود ضرر و رابطه سببیت استوار می‌سازد (نصیری، ۱۴۰۴: ۸۸). بنابراین، کاهش یا حذف نقش تقصیر در مسئولیت مدنی ایران، با هدف تأمین حمایت مؤثر از زیان‌دیده، پیشگیری از خطرات احتمالی و تطبیق با شرایط پیچیده فعالیت‌های اجتماعی و حرفه‌ای صورت گرفته است و نشان می‌دهد که نظام مسئولیت مدنی قابلیت انعطاف و سازگاری با نیازهای نوین اجتماعی و اقتصادی را داراست.

۳. نقش تقصیر در فقه امامیه

در فقه امامیه، جایگاه تقصیر در مسئولیت مدنی به گونه‌ای متفاوت از حقوق موضوعه ایران تعریف می‌شود و تأکید بیشتری بر ورود ضرر و رابطه سببیت میان فعل عامل و زیان وارد شده وجود دارد. در این نظام فقهی، تحقق ضمان اغلب مستقل از احراز قصد یا کوتاهی شخص است و تقصیر به عنوان عامل تعیین کننده صرفاً در برخی موارد خاص مطرح می‌شود. بررسی نقش تقصیر در فقه امامیه، نه تنها امکان تحلیل تطبیقی با حقوق ایران و اصول اروپایی را فراهم می‌آورد، بلکه زمینه درک ملاحظات اخلاقی و اجتماعی حاکم بر مسئولیت مدنی را نیز روشن می‌سازد و به تحلیل کارکرد عدالت ترمیمی در نظام‌های حقوقی مبتنی بر فقه کمک می‌کند.

۳-۱. مبانی فقهی مسئولیت مدنی

در فقه امامیه، مسئولیت مدنی بر مبنای قواعد کلی حقوقی شکل می‌گیرد که هدف آن‌ها حفاظت از حقوق افراد و پیشگیری از ورود ضرر است. قاعده لاضرر به عنوان اصل بنیادین، منع ورود ضرر به دیگران را ضروری می‌داند و مبنایی برای ارزیابی مسئولیت فرد در برابر آسیب وارد شده فراهم می‌آورد. بر اساس این قاعده، هرگونه اقدام یا ترک اقدامی که موجب آسیب به دیگری شود، مستلزم جبران است و این اصل، چارچوب کلی مسئولیت مدنی را بدون تمرکز صرف بر قصد یا تقصیر عامل تعیین می‌کند (شریعت اصفهانی، بی‌تا: ۱۰؛ سیستانی، ۱۴۱۴ق: ۱۱).

قاعده اتلاف نیز یکی از ارکان مهم فقهی مسئولیت مدنی است و بر لزوم جبران خسارت ناشی از تلف یا نقصان مال دیگران تأکید دارد. این قاعده، مسئولیت را به ورود ضرر عینی و عینی سنج مرتبط می‌کند و بدون توجه به قصد یا خطای عامل، ایجاد الزام به جبران را ممکن می‌سازد. در این معنا، اتلاف نمایانگر رویکرد فقهی به مسئولیت بر پایه واقعیت‌های عینی و آثار اعمال انسانی است (محقق داماد، ۱۴۰۶ق: ۱۳۱).

قاعده تسبیب، عنصر واسطه‌ای در مسئولیت مدنی فقه امامیه است و بر نقش عامل در ایجاد زیان به دیگران تأکید دارد، حتی اگر ورود ضرر به طور مستقیم ناشی از عمل وی نباشد. بر اساس این قاعده، هر کس سبب تحقق ضرر دیگری شود، ملزم به جبران آن است، چه از طریق اقدام مستقیم و چه به واسطه فعالیتی که منجر به زیان شده است. تسبیب، پیوند میان فعل عامل و ضرر وارد شده را برقرار می‌کند و امکان اعمال مسئولیت را در مواردی که تقصیر مستقیم وجود ندارد، فراهم می‌آورد (محقق داماد، ۱۴۰۶ق: ۱۳۱). بنابراین، مبانی فقهی مسئولیت مدنی، با تأکید بر قواعد لاضرر، اتلاف و تسبیب، چارچوبی انعطاف‌پذیر و کارآمد برای جبران خسارت و حفظ حقوق افراد ارائه می‌دهند. این قواعد، علاوه بر تأمین عدالت ترمیمی، امکان تطبیق با شرایط پیچیده اجتماعی و اقتصادی را نیز فراهم می‌کنند و جایگاه تقصیر را به عنوان شرط ضروری مسئولیت در برخی موارد محدود می‌سازند.

۲-۳. جایگاه تقصیر در ضمان قهری

در ضمان قهری، جایگاه تقصیر متفاوت از مسئولیت مدنی متعارف است و نقش آن بسته به نوع ضمان تغییر می کند. در ضمان اتلاف، تحقق مسئولیت نیازمند اثبات تقصیر نیست و مالک یا دارنده مال، صرفاً به دلیل ورود ضرر، موظف به جبران خسارت است. این قاعده بر اصل حفاظت از حقوق مالک و پیشگیری از زیان دیدگی دیگران تأکید دارد و نشان می دهد که مسئولیت در این موارد مستقل از سرزنش پذیری عامل است. به عبارت دیگر، اتلاف به خودی خود، ایجاد الزام جبران خسارت را موجب می شود و تقصیر عامل، شرط لازم برای مسئولیت تلقی نمی گردد (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۳ق: ۲۲۲).

در مقابل، نقش تقصیر در ضمان ناشی از تسبیب بسیار برجسته است. در این نوع مسئولیت، ورود ضرر به دیگری مستلزم آن است که فرد عامل، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، سبب تحقق زیان شده باشد. تقصیر، معیار ارزیابی سرزنش پذیری رفتار و تعیین میزان مسئولیت است و بدون آن، انتساب مسئولیت ممکن نیست. بنابراین، در تسبیب، مسئولیت نه صرفاً بر اساس ورود ضرر، بلکه بر پایه رابطه علی میان فعل عامل و نتیجه زیان بار و وجود کوتاهی یا بی احتیاطی وی تثبیت می شود (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷: ۲/۲۵).

این تمایز میان ضمان اتلاف و ضمان ناشی از تسبیب، نشان دهنده انعطاف فقه امامیه در پاسخ به موقعیت های مختلف است. در حالی که اتلاف مستلزم جبران فوری و بدون بررسی تقصیر است، تسبیب با تمرکز بر رفتار عامل و بررسی عنصر روانی یا مادی او، امکان تعیین حدود مسئولیت و تطبیق عدالت با شرایط خاص را فراهم می آورد (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق: ۱۴). بدین ترتیب، جایگاه تقصیر در ضمان قهری، بسته به نوع ضمان، از غیرضروری در اتلاف تا شرط اصلی در تسبیب تغییر می کند و این چارچوب، امکان تطبیق عدالت ترمیمی و حفاظت از حقوق زیان دیده را در نظام فقهی فراهم می آورد.

۳-۳. مفهوم تعدی و تفریط در فقه

در فقه امامیه، مفاهیم تعدی و تفریط به عنوان دو مصداق اصلی رفتار زیان بار شناخته می شوند که نقش تعیین کننده ای در تحلیل مسئولیت مدنی دارند. تعدی عبارت است از تجاوز از

حدود مشروع و متعارف در برخورد با حقوق دیگران، به گونه‌ای که رفتار فرد موجب ورود ضرر مستقیم به دیگری شود. این مفهوم فقهی، به وضوح نشان می‌دهد که هرگونه فراتر رفتن از حقوق و حدود قانونی یا عرفی دیگران، سبب ایجاد مسئولیت و الزام به جبران خسارت می‌گردد. در مقابل، تفریط به کوتاهی در انجام وظایف لازم و متعارف اشاره دارد که نتیجه آن ورود زیان به دیگری است. تفریط نمایانگر ترک فعل یا غفلت از انجام تکالیف مورد انتظار عرفی یا شرعی است و مسئولیت ناشی از آن، با هدف پیشگیری از ضرر و جبران آن برقرار می‌شود (شیخ انصاری، ۱۴۱۹: ۴۲۲/۲).

ارتباط این مفاهیم با تقصیر در حقوق موضوعه، در تحلیل مسئولیت مدنی اهمیت می‌یابد. در حقوق ایران، تقصیر شامل رفتار عمدی یا غیرعمدی است که از معیار رفتار متعارف عدول کرده و موجب ورود ضرر می‌شود. تعدی و تفریط در فقه، به نوعی پیش‌زمینه و مبنای عملی تقصیر در حقوق موضوعه محسوب می‌شوند و نشان می‌دهند که چه رفتارهایی خارج از حدود متعارف و قابل قبول جامعه قرار دارند. به بیان دیگر، این مفاهیم فقهی، چارچوبی برای تعیین رفتار انسانی و معیار سنجش مسئولیت ارائه می‌دهند که در حقوق مدنی به شکل تقصیر بازتعریف و توسعه یافته است (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۹: ۸۵). از سوی دیگر، بررسی تعدی و تفریط، امکان تحلیل دقیق‌تر رابطه میان فعل یا ترک فعل عامل و ورود ضرر را فراهم می‌آورد و نشان می‌دهد که تحقق مسئولیت مدنی تنها وابسته به نتیجه زیان نیست، بلکه نحوه رفتار عامل و مطابقت آن با معیارهای عرفی و شرعی نیز تعیین‌کننده است. این رویکرد، هم عدالت ترمیمی را تضمین می‌کند و هم زمینه انطباق مسئولیت با ملاحظات اخلاقی و اجتماعی را فراهم می‌آورد (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲: ۱۵۳).

۳-۴. موارد مسئولیت بدون تقصیر در فقه امامیه

در فقه امامیه، مسئولیت بدون تقصیر به مواردی اطلاق می‌شود که فرد بدون آنکه مرتکب خطا یا بی‌احتیاطی شده باشد، موظف به جبران زیان وارد شده است. یکی از مهم‌ترین این موارد، مسئولیت صغیر و مجنون است. در این وضعیت، فرد به دلیل ناتوانی در درک صحیح

رفتار و پیامدهای آن، مسئول جبران خسارت است، حتی اگر تقصیری از او سر نزده باشد. مسئولیت صغیر و معجون مبتنی بر اصل حمایت از حقوق زیان دیده و پیشگیری از ضرر است و نشان می‌دهد که مسئولیت مدنی فقه امامیه تنها بر سرزنش پذیری عامل متکی نیست، بلکه تحقق خسارت و رابطه سببیت کافی است تا الزام جبران ایجاد شود (کاشف الغطاء، ۱۳۵۹: ۱۶۶/۲).

مورد دیگر مسئولیت مباشر است که شامل کسانی می‌شود که با استفاده از ابزار یا وسیله‌ای زیان بار موجب ورود ضرر به دیگران می‌شوند. در این حالت، عامل مسئول حتی اگر خطایی مرتکب نشده باشد، موظف به جبران خسارت است، زیرا رابطه مستقیم میان رفتار او و ضرر وارده برقرار است و اصل عدالت ترمیمی حکم می‌کند که زیان دیده از طریق جبران کامل خسارت حمایت شود. مسئولیت مباشر، نمونه‌ای از مسئولیت بدون تقصیر است که به‌ویژه در فعالیت‌های خطرناک یا استفاده از اشیاء دارای ریسک بالا کاربرد دارد (نجفی، ۱۴۰۴: ۴/۲۶).

این رویکرد فقهی، نشان‌دهنده انعطاف نظام حقوقی امامیه در پاسخ به نیازهای اجتماعی و حفظ حقوق افراد است. در این چارچوب، نقش تقصیر کاهش یافته و معیار اصلی مسئولیت، ورود ضرر و وجود رابطه سببیت است، نه درجه آگاهی یا سرزنش پذیری عامل. بنابراین، مسئولیت بدون تقصیر در فقه امامیه، هم عدالت ترمیمی را تأمین می‌کند و هم تضمین می‌نماید که زیان دیده بدون توجه به وضعیت عامل، از خسارت خود جبران دریافت کند.

۵-۳. جمع‌بندی رویکرد فقه امامیه

در فقه امامیه، نگاه به مسئولیت مدنی بیشتر مبتنی بر ارزیابی عینی رفتار و پیامدهای آن است تا تحلیل ذهنی عامل زیان. این رویکرد عینی، تأکید بر تحقق ضرر و رابطه سببیت میان رفتار فرد و خسارت وارد شده دارد و تعیین مسئولیت را بر اساس آثار واقعی عمل انجام شده امکان‌پذیر می‌سازد. به بیان دیگر، تحقق مسئولیت مدنی نیازمند اثبات قصد، عمد یا بی‌احتیاطی شخص نیست، بلکه ورود ضرر و ارتباط مستقیم آن با رفتار عامل کافی است.

چنین رویکردی، نظام حقوقی را از پیچیدگی‌های ذهنی و دشواری‌های اثبات نیت و سرزنش‌پذیری آزاد می‌کند و امکان پیش‌بینی و اجرای عدالت را افزایش می‌دهد. تقدم جبران ضرر بر احراز تقصیر، از دیگر ویژگی‌های کلیدی فقه امامیه است که رویکرد آن را نسبت به مسئولیت مدنی مشخص می‌سازد. در این چارچوب، هدف اصلی حقوق، تأمین جبران زیان وارد شده به افراد است و بررسی تقصیر یا درجه خطای عامل، نقش ثانویه دارد. این اولویت‌بندی باعث می‌شود که زیان‌دیده بدون توجه به وضعیت ذهنی یا شرایط شخصی عامل، بتواند خسارت وارده را دریافت کند و حقوق او به سرعت و به طور مؤثر محافظت شود.

این ترکیب نگاه عینی و تقدم جبران، چارچوبی انعطاف‌پذیر و عملی برای مسئولیت مدنی فراهم می‌آورد که هم عدالت ترمیمی را تضمین می‌کند و هم با پیچیدگی‌ها و خطرات ناشی از فعالیت‌های انسانی در زندگی روزمره سازگار است. به موجب این رویکرد، فقه امامیه تأکید بر حفاظت از زیان‌دیده و پیشگیری از ورود خسارت دارد و نقش تقصیر را به عنوان شرط لازم مسئولیت محدود می‌سازد، در حالی که تمرکز اصلی بر واقعیت‌های عینی و جبران مؤثر ضرر باقی می‌ماند.

۴. نقش تقصیر در اصول اروپایی حقوق مسئولیت مدنی

در نظام‌های حقوقی اروپایی، نقش تقصیر در مسئولیت مدنی از جایگاهی محوری برخوردار است و چارچوب انتساب مسئولیت عمدتاً بر اساس ارزیابی رفتاری عامل و رعایت معیارهای متعارف تعیین می‌شود. تقصیر به عنوان عنصر اصلی در حقوق مدنی اروپا، نه تنها شرط تحقق مسئولیت است، بلکه نقش کلیدی در تعیین میزان جبران خسارت و تحلیل عدالت ترمیمی دارد. بررسی جایگاه تقصیر در اصول اروپایی، امکان مقایسه با حقوق ایران و فقه امامیه را فراهم می‌آورد و نشان می‌دهد که چگونه نگرش‌های متفاوت به رفتار انسانی، سرزنش‌پذیری و پیشگیری از ضرر در قالب قواعد حقوقی متجلی می‌شود.

۴-۱. معرفی اصول اروپایی حقوق مسئولیت مدنی

اصول اروپایی حقوق مسئولیت مدنی با هدف ایجاد چارچوبی هماهنگ و قابل پیش‌بینی برای تعیین مسئولیت و جبران خسارت تدوین شده‌اند. این اصول بر پایه تحلیل منطقی رفتار انسانی، ورود ضرر و رابطه سببیت شکل گرفته و تلاش می‌کنند تعادل میان عدالت ترمیمی، پیشگیری از زیان و امنیت حقوقی طرفین را برقرار سازند. فلسفه تدوین این اصول نه تنها وحدت رویه قضایی را تقویت می‌کند، بلکه با ارائه معیارهای روشن برای ارزیابی تقصیر و شدت مسئولیت، امکان کاهش اختلافات میان نظام‌های حقوقی مختلف اروپا را فراهم می‌آورد و از تصمیمات پراکنده قضایی جلوگیری می‌کند (European Group on Tort Law, 2005: 12).

جایگاه اصول اروپایی در همگرایی حقوقی اروپا، به ویژه در راستای تسهیل همکاری و تعامل میان کشورهای عضو و ایجاد نظام حقوقی مشترک در زمینه مسئولیت مدنی اهمیت دارد. این اصول به عنوان مرجع تحلیلی و راهنمای تفسیر قوانین ملی، زمینه‌ای برای تطبیق رویه‌ها و کاهش تنوع فاحش میان نظام‌های حقوقی ایجاد می‌کنند و باعث می‌شوند که مفاهیم کلیدی مانند تقصیر، مسئولیت مستقیم و مسئولیت ناشی از فعالیت‌های خطرناک به شکلی یکسان و منسجم در کشورهای مختلف به کار گرفته شود. (Attila and others, 2011: 44). علاوه بر این، این اصول امکان مقایسه و نقد تطبیقی را فراهم می‌آورند و نشان می‌دهند که چگونه حقوق مسئولیت مدنی می‌تواند به ابزار کارآمدی برای حمایت از زیان‌دیده و پیشگیری از ورود خسارت تبدیل شود. توجه به استانداردهای رفتار متعارف، تقسیم مسئولیت میان چند عامل و تحلیل درجه تقصیر، از جمله ویژگی‌هایی هستند که جایگاه این اصول را در هماهنگی حقوقی اروپا تثبیت می‌کنند و چارچوبی سازگار برای پاسخگویی به پیچیدگی‌های روابط مدرن و فعالیت‌های پرخطر فراهم می‌آورند (Barbara and Ernst, 2024: 101).

۲-۴. مفهوم تقصیر در اصول اروپایی

در اصول اروپایی حقوق مسئولیت مدنی، مفهوم تقصیر به عنوان پایه‌ای برای انتساب مسئولیت مورد توجه قرار دارد و مبنای آن، نظریه مسئولیت مبتنی بر خطا^۱ یا است. بر اساس این رویکرد، مسئولیت فرد در برابر ضرر وارده به دیگری مستلزم اثبات خطای رفتاری یا کوتاهی در رعایت معیارهای متعارف است. خطا می‌تواند ناشی از عمل یا ترک عمل باشد و میزان آن بر اساس ارزیابی رفتاری معقول سنجیده می‌شود. بدین ترتیب، تحقق مسئولیت مشروط به وجود رفتاری است که از استانداردهای عقلانی و متعارف جامعه فاصله داشته و منجر به ورود ضرر شده باشد. (Gert, 2018: 75)

معیار رفتاری معقول^۲ نقش کلیدی در تعیین تقصیر ایفا می‌کند و مبنای ارزیابی عملکرد عامل زیان است. این معیار بیانگر آن است که رفتار فرد باید با رفتاری که یک شخص عاقل و مراقب در شرایط مشابه انجام می‌دهد، مقایسه شود. در نتیجه، مسئولیت نه تنها متکی بر قصد یا انگیزه ذهنی عامل است، بلکه رفتار عینی او و میزان انطباق آن با استانداردهای رفتاری جامعه نیز مورد سنجش قرار می‌گیرد. (Dam, 2013: 102) این رویکرد، امکان پیش‌بینی حقوقی و ثبات در تعیین مسئولیت را فراهم می‌آورد و از تصمیمات قضایی سلیقه‌ای جلوگیری می‌کند. علاوه بر این، ترکیب مسئولیت مبتنی بر خطا و معیار رفتاری معقول، چارچوبی عادلانه و انعطاف‌پذیر برای ارزیابی مسئولیت فراهم می‌سازد که هم به حمایت از زیان‌دیده اهمیت می‌دهد و هم اعمال محدودیت‌های منطقی بر عامل زیان را ممکن می‌سازد (Vernon and Mauro, 2009: 58). این ساختار تحلیلی، زمینه تطبیق حقوق مسئولیت مدنی اروپا با شرایط پیچیده فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و حرفه‌ای را نیز فراهم می‌آورد و باعث می‌شود که عدالت ترمیمی با رویکرد پیشگیرانه تلفیق شود.

۳-۴. مسئولیت بدون تقصیر در اصول اروپایی

¹ fault-based liability

² Reasonable Person

در اصول اروپایی حقوق مسئولیت مدنی، مسئولیت بدون تقصیر^۳ نقش مهمی در حفاظت از زیان‌دیده دارد و بر پایه ورود ضرر و رابطه سببیت، بدون نیاز به اثبات خطا یا کوتاهی عامل برقرار می‌شود. این رویکرد، شرایطی را ایجاد می‌کند که حتی در صورت رعایت تمام موازین احتیاط، عامل زیان موظف به جبران خسارت باشد و هدف آن، تأمین عدالت ترمیمی و پیشگیری از خسارت‌های احتمالی است. مسئولیت بدون تقصیر به ویژه در مواردی اعمال می‌شود که فعالیت‌ها یا اشیاء مورد استفاده، ذاتاً خطرناک هستند و احتمال ورود ضرر به دیگران بالاست. (Paula, 2017: 142)

یکی از مصادیق بارز مسئولیت بدون تقصیر در حقوق اروپایی، مسئولیت ناشی از فعالیت‌های غیرعادی و پرخطر^۴ است. این نوع مسئولیت شامل فعالیت‌هایی می‌شود که حتی با رعایت احتیاط کامل، خطرات ذاتی برای جامعه یا اشخاص دیگر به همراه دارند. از جمله نمونه‌های این فعالیت‌ها می‌توان به استفاده از مواد شیمیایی سمی، حمل و نقل مواد انفجاری یا فعالیت‌های صنعتی خطرناک اشاره کرد. در این موارد، اصل حفاظت از زیان‌دیده بر اثبات تقصیر فرد ترجیح داده می‌شود و جبران خسارت بدون بررسی خطای عامل الزامی است. (Giacinto, 2020: 98) این رویکرد، چارچوب حقوقی را از پیچیدگی‌های اثبات تقصیر آزاد می‌کند و امکان اجرای سریع‌تر عدالت را فراهم می‌آورد. مسئولیت بدون تقصیر، ضمن تضمین حمایت مؤثر از زیان‌دیده، به کاهش مخاطرات ناشی از فعالیت‌های پرخطر نیز کمک می‌کند و باعث می‌شود که عاملان فعالیت‌های پرخطر، با حساسیت بیشتری به مدیریت ریسک‌ها و اتخاذ تدابیر پیشگیرانه اقدام نمایند. (Aurelia, 2010: 76) بدین ترتیب، مسئولیت بدون تقصیر در حقوق اروپایی، هم عدالت ترمیمی و هم پیشگیری از ورود ضرر را به طور همزمان تأمین می‌کند.

۴-۴. نقش تقصیر در تقسیم مسئولیت

³ Strict Liability

⁴ Liability for Abnormally Dangerous Activities

در نظام‌های حقوقی اروپایی، تقسیم مسئولیت میان عامل زیان و زیان‌دیده با توجه به نقش هر یک در ورود ضرر انجام می‌شود و تقصیر به‌عنوان معیار اصلی ارزیابی سهم هر طرف مورد استفاده قرار می‌گیرد. مفهوم تقصیر زیان‌دیده، بیانگر این است که اگر زیان‌دیده با رفتار خود در ایجاد یا تشدید خسارت نقش داشته باشد، سهم مسئولیت وی از کل جبران کاهش می‌یابد. این رویکرد، هم عدالت ترمیمی را تقویت می‌کند و هم انگیزه‌ای برای مراقبت و پیشگیری در رفتار زیان‌دیده ایجاد می‌کند، زیرا فرد آگاه است که کوتاهی یا بی‌احتیاطی او می‌تواند موجب کاهش مبلغ جبران شود. (Bernhard, 2011: 88)

در کنار آن، تقصیر مشترک یا مسئولیت همزمان چند عامل، وضعیت پیچیده‌تری از تقسیم مسئولیت را مطرح می‌سازد. در این حالت، هر یک از عاملان که نقشی در ورود ضرر داشته‌اند، بر اساس درجه خطای خود و سهمی که در ایجاد زیان داشته‌اند، مسئول جبران خسارت شناخته می‌شوند. تحلیل دقیق رابطه سببیت و ارزیابی رفتار هر یک از طرفین، مبنای تعیین میزان مسئولیت است و امکان تعیین سهم منطقی و عادلانه هر فرد را فراهم می‌آورد. (Reiner, 2011: 73) این سازوکار تقسیم مسئولیت، علاوه بر تأمین عدالت ترمیمی، جنبه پیشگیرانه نیز دارد و موجب می‌شود که تمام طرفین در رفتار خود دقت لازم را به کار گیرند تا از ورود زیان جلوگیری شود. در نتیجه، تقصیر به‌عنوان معیار اصلی در تعیین سهم مسئولیت، هم نقش حمایتی از زیان‌دیده و هم نقش بازدارنده و نظم‌دهنده در رفتار طرفین را ایفا می‌کند. ارزیابی علّیت و شدت تقصیر در این چارچوب، زمینه‌ای برای اجرای عدالت متوازن و جلوگیری از سوءاستفاده یا بی‌توجهی فراهم می‌آورد. (Eleni, 2017: 51)

۴-۵. ارزیابی رویکرد اصول اروپایی

رویکرد اصول اروپایی حقوق مسئولیت مدنی از انعطاف‌پذیری بالایی برخوردار است و این ویژگی به آن امکان می‌دهد تا با شرایط متنوع اجتماعی، اقتصادی و حرفه‌ای سازگار شود. این اصول نه تنها چارچوب روشنی برای تعیین مسئولیت و تقسیم سهم خسارت ارائه می‌دهند، بلکه امکان تطبیق معیارها با موقعیت‌های خاص را نیز فراهم می‌کنند.

انعطاف‌پذیری، موجب می‌شود که عدالت ترمیمی به شکل عملی و مؤثر تحقق یابد و تصمیمات قضایی در مواجهه با پیچیدگی‌های زندگی مدرن، همسو با اهداف حقوقی و اجتماعی باشد. توجه به عدالت ترمیمی، از دیگر ویژگی‌های مهم این رویکرد است. اصول اروپایی مسئولیت مدنی، با تأکید بر جبران کامل خسارت وارده به زیان‌دیده، تلاش می‌کنند تعادل میان حمایت از حقوق افراد و محدود کردن رفتارهای پرخطر را حفظ کنند. در این چارچوب، معیارهای رفتاری معقول و مسئولیت مبتنی بر تقصیر یا بدون تقصیر، با هدف تضمین پیشگیری از ورود ضرر و ارائه جبران مناسب، هماهنگ می‌شوند. این رویکرد، علاوه بر تأمین عدالت ترمیمی، انگیزه‌ای برای رعایت احتیاط و مدیریت ریسک در رفتار عامل ایجاد می‌کند و نشان می‌دهد که اصول اروپایی به طور همزمان، حفاظت از زیان‌دیده و نظم اجتماعی را مدنظر دارند.

(Ghestin, 2002.p181)

۵. مطالعه تطبیقی

در بررسی تطبیقی نقش تقصیر در مسئولیت مدنی، می‌توان جایگاه آن را در سه نظام حقوقی ایران، فقه امامیه و اصول اروپایی مورد تحلیل قرار داد تا شباهت‌ها، تفاوت‌ها و روندهای مشترک مشخص شود. در هر سه نظام، تقصیر به عنوان یکی از عناصر مهم مسئولیت مدنی شناسایی می‌شود و به طور مستقیم با ورود ضرر و رابطه سببیت مرتبط است. این اشتراک نشان می‌دهد که مفهوم مسئولیت، فارغ از تفاوت‌های فرهنگی و حقوقی، با هدف حمایت از زیان‌دیده و پیشگیری از ورود ضرر طراحی شده است. در هر سه نظام، تحلیل رفتار انسانی و ارزیابی میزان خطا و کوتاهی، محور اصلی انتساب مسئولیت است و معیارهای رفتاری معقول یا متعارف نقش تعیین‌کننده دارند.

با این حال، تفاوت‌های اساسی نیز مشهود است. در فقه امامیه، تأکید بر نگاه عینی و تحقق ضرر بدون توجه به نیت و قصد عامل، و همچنین کاربرد مسئولیت بدون تقصیر در موارد خاص، باعث می‌شود که جایگاه تقصیر محدودتر باشد. در حقوق ایران، ترکیبی از تقصیر و

قواعد مسئولیت مبتنی بر قانون مدنی و قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹ حاکم است که در برخی موارد نیاز به اثبات خطا وجود دارد، اما مواردی از مسئولیت محض نیز در قوانین و رویه قضایی دیده می‌شود. در نظام اروپایی، تقصیر همچنان عنصر مرکزی مسئولیت است و اصول اروپایی حقوق مسئولیت مدنی با تأکید بر معیار رفتار معقول و تحلیل درجه خطا، چارچوبی انعطاف‌پذیر و دقیق برای انتساب مسئولیت فراهم می‌آورد. این تفاوت‌ها نشان‌دهنده تفاوت‌های فلسفی و تاریخی هر نظام و همچنین درجه اهمیت نگاه به سرزنش‌پذیری عامل در تحقق مسئولیت است.

روند مشترک میان سه نظام، کاهش نقش مطلق تقصیر و حرکت به سوی حمایت از زیان‌دیده است. در فقه امامیه، مسئولیت بدون تقصیر و تقدم جبران ضرر بر احراز تقصیر به وضوح دیده می‌شود؛ در حقوق ایران، قانون و رویه قضایی به تدریج به سمت پذیرش مسئولیت ناشی از فعالیت‌های خطرناک و حمایت از زیان‌دیده حرکت کرده است؛ و در اصول اروپایی نیز، مسئولیت بدون تقصیر در فعالیت‌های غیرعادی و پرخطر جایگاه ویژه‌ای یافته است. این روند نشان می‌دهد که هر سه نظام، با وجود تفاوت‌های بنیادین، در مسیر تأمین عدالت ترمیمی و کاهش پیچیدگی‌های اثبات تقصیر حرکت می‌کنند.

حقوق ایران، با توجه به تأثیرپذیری از فقه امامیه و روندهای حقوق تطبیقی، ظرفیت‌های قابل توجهی برای توسعه دارد. امکان تلفیق اصول فقهی، قواعد موجود در قانون مدنی و آموزه‌های حقوق تطبیقی، به ویژه اصول اروپایی، می‌تواند چارچوبی منسجم و کارآمد برای مسئولیت مدنی فراهم آورد. این ظرفیت‌ها شامل تقویت معیارهای رفتاری معقول، تعریف دقیق‌تر مسئولیت مشترک و ارتقای سازوکارهای مسئولیت بدون تقصیر است که هم عدالت ترمیمی را تأمین کند و هم به پیشگیری از ورود زیان کمک نماید.

از منظر نقد و پیشنهاد، اصلاحات تقنینی می‌تواند به بهبود جایگاه تقصیر و تحقق عدالت ترمیمی کمک کند. این اصلاحات شامل تعیین دقیق‌تر عناصر مسئولیت، تعریف شفاف مسئولیت مبتنی بر فعالیت‌های پرخطر و فراهم آوردن امکان تقسیم مسئولیت میان چند

عامل است. علاوه بر این، استفاده از الگوی ترکیبی که تلفیقی از رویکرد فقهی و اصول اروپایی باشد، می‌تواند هم انعطاف‌پذیری و هم پیش‌بینی‌پذیری حقوقی را افزایش دهد. این رویکرد ترکیبی امکان دارد جایگاه تقصیر را به عنوان یکی از معیارهای مهم مسئولیت حفظ کند، در عین حال، به تقویت حمایت از زیان‌دیده و پذیرش مسئولیت بدون تقصیر در شرایط خاص نیز بپردازد.

به طور کلی، مطالعه تطبیقی نشان می‌دهد که هر سه نظام حقوقی در مسیر کاهش نقش تقصیر و تقویت عدالت ترمیمی حرکت می‌کنند، اما هر کدام با ابزارها و سازوکارهای خاص خود این هدف را دنبال می‌کنند. بهره‌گیری از تجارب تطبیقی و ظرفیت‌های داخلی، می‌تواند حقوق مسئولیت مدنی ایران را به نظامی منعطف، پیشگیرانه و عدالت‌محور تبدیل کند و همسویی بیشتری با استانداردهای بین‌المللی و الزامات اجتماعی ایجاد نماید.

نتیجه‌گیری

نتیجه‌گیری این تحقیق، با بررسی نقش تقصیر در تحقق مسئولیت مدنی در سه نظام حقوقی ایران، فقه امامیه و اصول اروپایی، پاسخ روشنی به سؤالات پژوهش ارائه می‌دهد و تصویری تطبیقی از روند تحول مسئولیت مدنی در این نظام‌ها ترسیم می‌کند. در پاسخ به سؤال نخست درباره جایگاه تقصیر، مشخص شد که در همه سه نظام، تقصیر به عنوان عنصر اصلی یا حداقل یکی از معیارهای تعیین مسئولیت مطرح است؛ با این حال، نحوه کاربرد و اهمیت آن متفاوت است. در فقه امامیه، نگاه به مسئولیت بیشتر عینی است و تحقق ضرر و رابطه سببیت بر سرزنش‌پذیری عامل تقدم دارد، به طوری که مسئولیت بدون تقصیر در موارد خاص، از جمله برای صغیر، مجنون و مسئولیت مستقیم، کاملاً پذیرفته شده است. در حقوق ایران، ترکیبی از رویکرد تقنینی و الهام از فقه وجود دارد؛ تقصیر همچنان عنصر مهم مسئولیت است، اما پذیرش مسئولیت ناشی از فعالیت‌های خطرناک و حمایت از زیان‌دیده، کاهش نقش تقصیر را نشان می‌دهد. اصول اروپایی حقوق مسئولیت مدنی، با تأکید بر معیار رفتار

معقول و مسئولیت مبتنی بر خطا، جایگاه تقصیر را حفظ کرده‌اند، اما انعطاف‌پذیری و گسترش مسئولیت بدون تقصیر در فعالیت‌های غیرعادی و پرخطر، نشان‌دهنده گرایش به حمایت از زیان‌دیده است.

فرضیه تحقیق مبنی بر کاهش نقش تقصیر در نظام‌های نوین مسئولیت مدنی تا حد زیادی تأیید می‌شود. بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که در هر سه نظام، چه با نگاه فقهی و چه با رویکرد حقوقی، روندی روشن به سوی محدود کردن نقش مطلق تقصیر و تقویت حمایت از زیان‌دیده وجود دارد. این روند نه تنها در پذیرش مسئولیت بدون تقصیر، بلکه در توجه به مسئولیت مشترک، مسئولیت زیان‌دیده و معیارهای رفتاری متعارف نیز قابل مشاهده است. در نتیجه، فرضیه کاهش نقش تقصیر و حرکت به سوی جبران سریع و مؤثر ضررهای وارده، در چارچوب تحلیل تطبیقی تأیید می‌شود.

جمع‌بندی تطبیقی نشان می‌دهد که شباهت‌های بنیادین میان سه نظام، همچون توجه به رابطه سببیت و ضرورت جبران ضرر، زمینه‌های مشترک عدالت ترمیمی را ایجاد می‌کند. در عین حال، تفاوت‌های فلسفی و تاریخی، از جمله نگاه ذهنی یا عینی به تقصیر و نحوه پذیرش مسئولیت بدون تقصیر، نشان‌دهنده تنوع راهبردها و ابزارهای حقوقی برای تحقق اهداف مشابه است. فقه امامیه و حقوق ایران با تکیه بر سنت و قواعد داخلی، انعطاف قابل توجهی در پذیرش مسئولیت بدون تقصیر دارند، در حالی که اصول اروپایی، با تأکید بر معیارهای رفتاری عقلانی و تحلیل دقیق تقصیر، چارچوبی پیش‌بینی‌پذیر و منسجم ارائه می‌کنند.

با توجه به یافته‌ها، پیشنهاد می‌شود که اصلاحات تقنینی در حقوق ایران، بر تعریف شفاف‌تر عناصر مسئولیت، تعیین دقیق معیارهای رفتار متعارف و گسترش سازوکارهای مسئولیت بدون تقصیر در شرایط خاص متمرکز شود. استفاده از الگوی ترکیبی که تلفیقی از آموزه‌های فقهی و تجارب حقوق تطبیقی باشد، می‌تواند هم انعطاف‌پذیری و هم پیش‌بینی‌پذیری حقوقی را افزایش دهد. از منظر اجرایی، آموزش قضات و کارشناسان حقوقی در زمینه تحلیل درجه

تقصیر و تقسیم مسئولیت، توسعه رویه قضایی مبتنی بر عدالت ترمیمی و تقویت سازوکارهای جبران خسارت سریع، می‌تواند اثرگذاری این اصلاحات را تضمین کند. در نهایت، مطالعه نشان می‌دهد که ترکیب تجربه فقهی، ظرفیت‌های حقوق داخلی و آموزه‌های تطبیقی می‌تواند حقوق مسئولیت مدنی ایران را به نظامی کارآمد، عدالت‌محور و هماهنگ با استانداردهای بین‌المللی تبدیل کند. کاهش نقش مطلق تقصیر و تمرکز بر حمایت از زیان‌دیده، نه تنها عدالت ترمیمی را تقویت می‌کند، بلکه موجب بهبود پیشگیری از ورود ضرر و ارتقای نظم اجتماعی نیز می‌شود. این رویکرد می‌تواند راهبردی پایدار و عملی برای توسعه مسئولیت مدنی در ایران فراهم آورد و همزمان با حفظ مبانی سنتی، نیازهای مدرن جامعه را پاسخ دهد.

منابع

- آذین، سید محمد (۱۳۹۹)، **تحول در مسئولیت مدنی پزشک: بازگشت افراطی به نظریه تقصیر**، حقوق فناوری های نوین، ۲، ۵۷-۸۰.
- افشار، حسن (۱۳۹۵)، **مسئولیت مدنی جبران خسارت معنوی در حقوق ایران**، تهران: مجد.
- اکبری دهنو، میثم؛ یآوری، محمدحسین؛ حاجیان، هانی (۱۳۹۲)، **وضعیت ید امین پس از ترک تقصیر**، فقه اهل بیت علیهم السلام، ۷۴، ۱۲۶-۱۵۶.
- انصاری (شیخ)، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۹ق)، **فرائد الأصول**، ج ۲، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- باریکلو، علیرضا (۱۳۹۰)، **پیامدهای حقوقی تقصیر امین قراردادی**، مطالعات حقوقی، ۴، ۵۳-۷۵.
- جمعی از پژوهشگران (۱۴۲۳ق)، **موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البیت**، ج ۳، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی.
- حاجی نوری، غلامرضا (۱۳۹۱)، **نقش تقصیر در ضمان ناشی از تسبیب**، مطالعات حقوق خصوصی، ۴۲، ۱۴۳-۱۵۸.
- حسینی، سیده صفیه (۱۳۹۴)، **نقش اخلاق در مسئولیت مدنی**، تهران: مجد.
- خواجه پیری، عباس (۱۳۸۹)، **موجبات مسئولیت مدنی و آثار آن**، تهران: الهدی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، **لغت نامه**، ج ۲، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- سیستانی، سید علی (۱۴۱۴ق)، **قاعده لاضرر و لاضرار**، قم: کتابخانه آیه الله العظمی سیستانی.
- شریعت اصفهانی، فتح الله بن محمد جواد (بی تا)، **قاعده لاضرر**، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- عالم زاده، محمد (۱۴۰۲)، **مسئولیت مدنی**، تهران: مجد.
- عبداللهی ویشکایی، سمیه (۱۳۹۱)، **مسئولیت مدنی ناشی از فعالیت های دارویی**، تهران: مجد.
- عسگری توانی، علی (۱۴۰۱)، **رابطه حقوق مدنی و کیفری از حیث مسئولیت در حقوق ایران و فرانسه**، تهران: مجد.
- قادری، معصومه؛ جوادی، محمدحسن؛ جعفرزاده، سیامک (۱۴۰۰)، **انطباق مسئولیت مدنی و عدالت اجتماعی: توجه به مؤلفه تقصیر عمدی**، اخلاق در علوم و فناوری، ۲/۱۶، ۳-۹.
- قدسی، سید ابراهیم؛ نوروزی، شهرزاد (۱۳۹۶)، **نسبت سنجی مسئولیت رانندگان بر پایه درجه تقصیر آنان**، آموزه های حقوق کیفری، ۱۳، ۳۳-۵۵.

- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۸)، **تحول مفهوم تقصیر در حقوق مسئولیت مدنی**، مطالعات حقوق خصوصی، ۱/۳۹، ۱۸۹-۲۱۴.
- کاشف الغطاء، حسن (۱۴۲۲ق)، **أنوار الفقاهه (کتاب الغصب)**، نجف: مؤسسه کاشف الغطاء العامه.
- کشاورز، اسماعیل (۱۳۹۸)، **ساختار مسئولیت مدنی (بررسی حقوقی، تاریخی و فلسفی نظام های حقوق رومی، کامن لا، فقه امامیه و ایران)**، تهران: مجد.
- کاشف الغطاء، محمدحسین (۱۳۵۹ق)، **تحریر المجله**، ج ۲، نجف: المکتبه المرتضویه، چاپ افست: تهران: کتابفروشی نجاح - قم: کتابفروشی فیروزآبادی.
- متین احمد، مجموعه **رویه قضایی جزایی** از سال ۱۳۱۱ تا ۱۳۳۰.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۰۶ق)، **قواعد فقه**، ج ۱۲، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- محمدی، فاطمه؛ زاهدیان، مجتبی (۱۴۰۰)، **بررسی تطبیقی درجه بندی تقصیر و آثار مترتب بر آن با تاکید بر تقصیر سنگین**، تحقیقات حقوقی بین المللی، ۵۱، ۳۴۳-۳۶۱.
- ملکوتی، رسول (۱۳۹۶)، **مسئولیت مدنی دولت**، تهران: مجد.
- موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۷۹)، **علم اصول**، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج.
- موسوی بجنوردی، سید حسن (۱۳۷۷)، **القواعد الفقهیه**، ج ۲، قم: الهادی.
- موسوی، سید محمدصادق؛ انواری اوغول بیگ، بهرام (۱۳۹۶)، **واکاوی مستندات مسئولیت قانونی مبتنی بر تقصیر قاضی**، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱۷، ۲۰۹-۲۳۴.
- نازی، مهدی؛ شکرپور، محمود؛ اسمعیلی، صادق؛ حسینی، منصور؛ موری، ابودر (۱۳۹۵)، **بررسی تقصیر زیان دیده در مسوولیت مدنی**، کنفرانس بین المللی نوآوری در علوم و تکنولوژی.
- نجفی (صاحب جواهر)، محمدحسن (۱۴۰۴ق)، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**، ج ۲۶، ج ۷، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نجفی، حامد (۱۳۹۹)، **نقش تقصیر در مسئولیت مدنی**، پژوهشنامه حقوق اسلامی، ۵۲، ۵۶۱-۵۸۶.
- نصیری، محمد (۱۴۰۴)، **سوء نیت در مسئولیت مدنی**، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- نصیری، هدیه (۱۳۹۶)، **پذیرش خطر در مسئولیت مدنی «مطالعه تطبیقی حقوق انگلیس، فرانسه و ایران»**، تهران: مجد.
- نوری، علی؛ بزرگمهر، داوود (۱۳۹۷)، **نقش عرف در احراز تقصیر مسئولیت های شغلی**، کنفرانس ملی دستاوردهای نوین جهان در تعلیم و تربیت، روانشناسی، حقوق و مطالعات فرهنگی اجتماعی.

- هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۲)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت، ج ۳، قم: مرکز دایره المعارف فقه اسلامی.

- Attila Fenyves, Elisabeth Steiner, Ernst Karner, Helmut Koziol (2011). Tort Law in the Jurisprudence of the European Court of Human Rights. London: De Gruyter.
- Aurelia Colombi Ciacchi (2010). Personality Rights in European Tort Law. Cambridge: Cambridge University Press.
- Barbara C. Steininger, Ernst Karner (2024). European Tort Law. London: De Gruyter.
- Bernhard A. Koch (2011). Essential Cases on Damage. London: De Gruyter.
- Dam, C. C. van (2013). European Tort Law. Oxford: OUP OUP Oxford.
- Eleni, Zervogianni (2017). Causation in European Tort Law. Cambridge: Cambridge University Press.
- European Group on Tort Law (2005). Principles of European Tort Law: Text and Commentary. London: Springer.
- Gert Brüggemeier (2018). Tort Law in the European Union. Hague: Kluwer Law International.
- Ghestin., Jacques, Traite de Droit Civil, 2 edition, Liban, Edition Delta, 2002.
- Giacinto Della Cananea (2020). Tort Liability of Public Authorities in European Laws. OUP OUP Oxford.
- Paula Giliker (2017). Research Handbook on EU Tort Law. London: Edward Elgar Publishing.
- Reiner Schulze (2011). Compensation of Private Losses: The Evolution of Torts in European Business Law. London: European law publishers.
- Vernon V. Palmer, Mauro Bussani (2009). Pure Economic Loss: New Horizons in Comparative Law. Hague: Routledge-Cavendish

References

- Afshar, H. (2016). *Civil liability for compensation of non-pecuniary damages in Iranian law*. Tehran: Majd.
- Akbari Dehno, M., Yavari, M. H., & Hajian, H. (2013). The situation of a trustee's possession after negligence. *Fiqh Ahl al-Bayt*, 19(74), 126–156.
- Azin, S. M. (2020). Transformation in physicians' civil liability: Excessive return to the fault theory. *New Technology Law (Contract and Technology Law)*, 1(2), 57–80.
- Barikloo, A. (2011). Legal consequences of contractual trustee's fault. *Legal Studies (Social and Human Sciences of Shiraz)*, 3(1(4)), 53–75.
- A group of researchers. (2002 AH). *Encyclopedia of Islamic jurisprudence according to the Ahl al-Bayt (Vol. 3)*. Qom: Institute of Islamic Jurisprudence Encyclopedia.
- Haji Nouri, G. (2012). The role of fault in liability arising from causation. *Private Law Studies*, 42(3), 143–158.
- Hosseini, S. S. (2015). *The role of ethics in civil liability*. Tehran: Majd.
- Sistani, S. A. (1994 AH). *Principle of no harm and no reciprocating harm*. Qom: Ayatollah Sistani School.
- Shari'at Esfahani, F. b. M. J. (n.d.). *Principle of no harm*. Qom: Islamic Publishing Institute.
- Sheikh Ansari, M. (1999 AH). *Faraed al-Osul (Vol. 2)*. Qom: Islamic Thought Assembly.
- Alamehzadeh, M. (2023). *Civil liability*. Tehran: Majd.
- Abdollahi Vishkayi, S. (2012). *Civil liability arising from pharmaceutical activities*. Tehran: Majd.
- Asgari Tavani, A. (2022). The relationship between civil and criminal law in terms of liability in Iranian and French law. Tehran: Majd.

- Qaderi, M., Javadi, M. H., & Jafarzadeh, S. (2021). Alignment of civil liability and social justice: Focusing on intentional fault. *Ethics in Science and Technology*, 16(2), 3–9.
- Ghodsi, S. E., & Norouzi, S. (2017). Proportional liability of drivers based on the degree of their fault. *Criminal Law Teachings*, 13, 33–55.
- Katouzian, N. (2009). Evolution of the concept of fault in civil liability law. *Private Law Studies*, 39(1), 189–214.
- Kashif al-Ghata, H. (2001 AH). *Anwar al-Fiqh (Book of Usurpation)*. Najaf: Kashif al-Ghata Public Institute.
- Keshavarz, E. (2019). *Structure of civil liability: A legal, historical, and philosophical study of Roman, Common Law, Shi'a, and Iranian legal systems*. Tehran: Majd.
- Kashif al-Ghata, M. H. (1980 AH). *Tahrir al-Majalla (Vol. 2)*. Najaf: Maktabat al-Murtazawiyya; Offset printing: Tehran, Najah Bookstore – Qom, Firoozabadi Bookstore.
- Mohaghegh Damad, S. M. (2027 AH). *Rules of jurisprudence* (12th ed.). Tehran: Center for Islamic Sciences Publication.
- Mohammadi, F., & Zahedian, M. (2021). Comparative study of fault gradation and its consequences with emphasis on gross negligence. *International Legal Research*, 14(51), 343–361.
- Malkooti, R. (2017). *State civil liability*. Tehran: Majd.
- Mousavi Bojnourdi, S. H. (1998). *Juristic principles (Vol. 2)*. Qom: Al-Hadi Publishing.
- Mousavi Bojnourdi, S. M. (2000). *Principles of jurisprudence*. Tehran: Arooj Printing and Publishing.
- Mousavi, Seyyed Mohammad Sadeq; Anvari Oghulbey, Bahram (2017), Analysis of the documentation of legal liability based on the fault of the judge, *Studies in Islamic Jurisprudence and Law*, 17, 209-234.
- Nazi, M., Shakarpour, M., Esmaeili, S., Hosseini, M., & Mouri, A. (2016). Examination of the victim's fault in civil liability.

International Conference on Innovation in Science and Technology.

- Najafi, H. (2020). The role of fault in civil liability. *Islamic Law Research*, 21(2(52)), 561–586.
- Najafi, M. H. (Saheb Jawaher). (2025 AH). *Jawaher al-Kalam fi Sharh Shara'i' al-Islam* (7th ed., Vol. 26). Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Nasiri, M. (2025). *Bad faith in civil liability*. Tehran: Sahami Enteshar.
- Nasiri, H. (2017). Assumption of risk in civil liability: Comparative study of English, French, and Iranian law. Tehran: Majd.
- Nouri, A., & Bozorgmehr, D. (2018). The role of custom in establishing fault in occupational liabilities. *National Conference on Modern Achievements in Education, Psychology, Law, and Cultural-Social Studies*.
- Hashemi Shahrudi, M. (2003). *Fiqh Dictionary according to the Ahl al-Bayt (Vol. 3)*. Qom: Center for Islamic Jurisprudence Encyclopedia.
- Attila Fenyves, Elisabeth Steiner, Ernst Karner, Helmut Koziol (2011). *Tort Law in the Jurisprudence of the European Court of Human Rights*. London: De Gruyter.
- Aurelia Colombi Ciacchi (2010). *Personality Rights in European Tort Law*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Barbara C. Steininger, Ernst Karner (2024). *European Tort Law*. London: De Gruyter.
- Bernhard A. Koch (2011). *Essential Cases on Damage*. London: De Gruyter.
- Dam, C. C. van (2013). *European Tort Law*. Oxford: OUP OUP Oxford.
- Eleni, Zervogianni (2017). *Causation in European Tort Law*. Cambridge: Cambridge University Press.

- European Group on Tort Law (2005). Principles of European Tort Law: Text and Commentary. London: Springer.
- Gert Brüggemeier (2018). Tort Law in the European Union. Hague: Kluwer Law International.
- Giacinto Della Cananea (2020). Tort Liability of Public Authorities in European Laws. OUP OUP Oxford.
- Paula Giliker (2017). Research Handbook on EU Tort Law. London: Edward Elgar Publishing.
- Reiner Schulze (2011). Compensation of Private Losses: The Evolution of Torts in European Business Law. London: European law publishers.
- Vernon V. Palmer, Mauro Bussani (2009). Pure Economic Loss: New Horizons in Comparative Law. Hague: Routledge-Cavendish

UNCORRECTED PROOF